

پیامد درآمد حرام بر حیات فردی و اجتماعی

منیره اسلمی^۱، زهرا رضایی آهوانویی^۲

چکیده

کسب مال امری مطلوب است. درآمد یعنی، کاری که برای جلب نفع یا دفع ضرر است. در آموزه‌های اسلامی تحصیل مال مشروع و طیب، جهاد فی سبیل الله بوده و درآمد حرام، ممنوع است. پژوهش حاضر باهدف بررسی آثار فردی و اجتماعی درآمد حرام انجام شده است. تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است. نتایج نشان می‌دهد که افراد در جامعه‌ای که به دنبال سعادت و کسب کمال هستند باید از کسب و درآمد حرام دوری کنند؛ زیرا درآمد حرام آثار مخربی مانند قساوت قلب، تیرگی قلب، ضایع شدن اعمال، عدم استجابیت دعا، لعنت کردن ملائکه دارد. در جامعه نیز آثار سوئی مانند رواج ظلم و فساد، رکود اقتصادی، سلب امنیت با به دنبال خواهد داشت.

واژگان کلیدی: درآمد، حرام، حیات فردی، حیات اجتماعی.

۱. مقدمه

درآمد یعنی کاری که برای نفع یا کاری که برای جلب نفع یا ضرر است. درآمد امری مطلوب است؛ زیرا مقتضای زندگی دنیوی و مادی آن است که انسان امکاناتی را برای آسایش خود فراهم کند. در آموزه‌های اسلامی تحصیل مال مشروع و طیب جهاد فی سبیل الله است و شخص با درآمد حلال می‌تواند بسترهای رشد و کمال خود را فراهم کند. باین وجود گاهی افراد

۱. دانش‌آموخته کارشناسی حقوق و معارف اسلامی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی گروه علمی تربیتی حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

آگاهانه و به دلیل دنیاگرایی و حب نفس و یا ناآگاهانه و به دلیل عدم تشخیص مصادیق به درآمد حرام روی می آورند. در فقه اسلامی به دست آوردن مال از راه های نامشروع حرام است و بانام مکاسب المحرمه به آن پرداخته می شود. مال حرام تأثیر منفی زیادی در زندگی انسان دارد. آنچه این روزها در مورد پدیده حرام خواری مایه نگرانی است ریختن قبح آن در جامعه است. به ویژه گسترش درآمد حرام در بین برخی افراد جامعه که خود الگویی برای سایر افراد جامعه هستند این مشکل را تشدید کرده است. تحقیق حاضر به روش کتابخانه ای و شیوه توصیفی کاربردی اثرات مخرب و ویرانگر مال حرام را در زندگی و حیات فردی و اجتماعی بیان می کند. همچنین پیامد درآمد حرام بر حیات فردی و اثر پیامد درآمد حرام بر زندگی اجتماعی را بررسی می کند و برای رسیدن افراد به کمال و سعادت و جامعه ای سالم، شناخت آثار مخرب فردی و اجتماعی درآمد حرام را لازم و ضروری می داند.

۲. مفهوم شناسی

۱-۲. درآمد

درآمد در لغت به معنای سود و بهره ای است که از کار و تجارت یا ملک داری و زراعت به دست می آید. (عمید، ۱۳۶۴) درآمد در اصطلاح یعنی، آنچه که فرد در مقابل کار و فعالیت می تواند تولید یا خدمات باشد برای کسب سود برای تأمین نیازهای مادی خود دریافت می کند (مسعودی پور، ۱۳۹۵، ص ۴۹).

۲-۲. حرام

فیروزآبادی در کتاب القاموس المحيط می نویسد: «ح ر م به کسره (الحرم) به معنای حرام و جمع آن حرم است»؛ «حرم علیه؛ آنچه که حلال نیست». (الفیروزآبادی، ۱۴۲۵، ص ۹۸۵) «وقد حرم علیه الشیء» در لغت به معنای حرام است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ص ۱۱). می گویند: «حرم ریشه واحدی دارد و آن منع و تشدید است، پس حرام ضد حلال است» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ص ۱۸۴). در اقرب الموارد آمده است: «اصل تحریم منع است و تحریم ضد تحلیل است» (الشرتونی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۴). راغب در مفردات می گوید: «حرام به معنی ممنوع و ضد حلال است

و چیزی که از آن منع شده باشد و ممنوع بودن از چیزی» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۲). در اصطلاح حرام به معنای ممنوع است. وقتی می‌گویند: «فلان کار حرام است» یعنی، ارتکاب آن ممنوع است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۶۳۱). مالی که از راه نامشروع به دست آید حرام و استفاده از آن موجب عذاب در روز قیامت است (انصاریان، ۱۳۸۴، ص ۳۱۱).

۲-۳. حیات فردی

حیات اسم مصدر از ریشه (ح ی ی) به معنای بود، زندگانی، زنده شدن است که در مقابل آن، موت و ممات به کار می‌رود. (عمید، ۱۳۶۴) در اصطلاح نیرویی است که موجب بروز حس و تحرک در موجود زنده می‌شود و موجودات با آن خود را از نقص به کمال می‌رسانند (ابن فارس و زمخشری، ۱۳۴۳، ص ۶۳۸). حیات فردی دارای دو بعد حیات جسمانی و حیات معنوی است و از نظر آیات و روایات نیز مراتبی دارد.

۲-۴. حیات اجتماعی

شهید مطهری حیات اجتماعی را با دو ملاک آگاهی و جنبش تعریف می‌کند: «حیات یعنی، حقیقت مجهول‌الکنهی که دو خاصیت دارد: یکی آگاهی و دیگری جنبش. انسان به هر نسبت که آگاهی بیشتری دارد حیات بیشتری دارد و به هر نسبت که تحرک و جنبش بیشتری دارد حیات بیشتری دارد» (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۶۵). از نظر شهید مطهری جامعه‌ای که ایمان بدون عمل و عمل بدون ایمان دارد را نمی‌توان یک جامعه زنده و با حیات واقعی دانست (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۹۸).

۳. پیامدهای درآمد حرام بر زندگی فردی

کسب مال حرام و دوری نکردن از آن باعث هلاکت انسان می‌شود چنان که بسیاری از افراد به سبب آلوده شدن به آن از سعادت محروم شده و توفیق رسیدن به درجات کمال را پیدا نکرده در نتیجه به نکبت‌های دنیا و آخرت دچار شده‌اند. لقمان حکیم در لابه‌لای وصایای خود به فرزندش می‌فرماید: «پسر جان! بدان که من چهارصد پیغمبر را خدمت کردم و از سخنان آنها

چهار جمله انتخاب کردم: در حال نماز دلت را ننگه دار، سر سفره مواظب گلویت باش، در خانه مردم چشمت را ننگه دار، میان مردم زبانت را حفظ کن» (حقی، بی تا، ص ۷۴). حفاظت از حلق به معنای نخوردن لقمه بزرگ یا گیر کردن استخوان نیست، بلکه این وصیت گویای این نکته است که نباید اجازه داد هر لقمه‌ای از گلوی فرد مسلمان رد شود و به گوشت و خون تبدیل شود.

۳-۱. اثر سوء در نطفه

یکی از مهمترین دستورات اسلام اجتناب از لقمه حرام است. در مسائل اخلاقی آمده است که ۴۰ روز قبل از اینکه نطفه منعقد شود انسان توجه داشته باشد به حلال و حرام چیزی که می خورد و می آشامد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «كَسْبُ الْحَرَامِ بَيْنُنَا فِي الدُّرِّيَّةِ؛ نتیجه کسب حرام در ذریه و فرزندان آشکار می شود» (کلینی، ۱۳۶۵، ص ۱۱۴۴). نطفه‌ای که فرزندان از آن تشکیل می شود باید از نظر ظاهری ویژگی‌هایی داشته باشد تا فرزند سالم تشکیل شود، اما مهمتر آن است که نطفه از مال حرام به وجود نیامده باشد، پس از این مرحله هر آنچه مادر در دوران بارداری می خورد و می نوشد تبدیل به خون شده و در رگ‌های جنین جریان می یابد. اگر پاک باشد آثار مثبت و اگر پلید و حرام باشد آثاری زشت خواهد داشت. بنابراین، مال حرام همان گونه که در روح و جسم مادر اثر می کند بر فرزندان داخل رحم نیز تأثیر می گذارد.

۳-۲. عدم استجاب دعا

دعا عاملی برای تقرب به خداست و خداوند در آن آثار و برکات فراوانی مانند آمرزش گناهان، فراوانی روزی، دفع بلا و قضا، شفای امراض نفسانی و جسمانی و ده‌ها مسئله دیگر قرار داده است. خداوند می فرماید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ مرا بخوانید تا (دعای) شما را اجابت کنم» (غافر: ۶۰). برخی مواقع مواردی پیش می آید که مانع استجاب دعا می شود که یکی از آنها کسب مال و لقمه حرام است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۱۵۲). یکی از تأثیرات لقمه حرام آن است که مقبولیت عبادت بنده را در نزد خدا از بین می برد و در نتیجه انسان راه سقوط را بیش از پیش طی می کند. هرگاه کسی بخواهد دعایش مستجاب شود کسب و کارش را حلال و پاک کند

و از مظالم مردم بیرون آید؛ زیرا دعای بنده بالا نمی‌رود اگر در شکمش حرام یا به گردش مظلومه‌ای از مردم باشد (بستام، ۱۳۹۴، ص ۵).

در قرآن کریم درباره دعا و استجاب آن آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنْتُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که مایه حیاتتان است و بدانید خداوند میان انسان و قلب او حائل می‌شود و اینکه همه شما نزد او (در قیامت) اجتماع خواهید کرد» (انفال: ۲۴). امام صادق ع فرمود: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْتَجَابَ لَهُ فَلْيَطِيبْ كَسْبَهُ؛ اگر هرکدام از شما می‌خواهد دعایش مستجاب شود، پس باید کسب و درآمدش را پاکیزه قرار دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۳۲۱). بنابراین، کسی که انتظار دارد دعایش به درجه اجابت برسد باید شکم خود را از مال حرام نگه دارد.

۳-۳. لعنت کردن ملائکه بر حرام خوار

رحمت الهی در عالم خلقت گاهی به طور عموم دربرگیرنده مقام موجودات عالم و گاهی به طور خصوصی دربرگیرنده افرادی از بندگان مؤمن است؛ زیرا در اینها خصوصیتی وجود دارد که دیگران چنین خصوصیتی ندارند و این مزیت سبب بهره‌مند شدن آنها از رحمت‌های الهی می‌شود. خدای سبحان اسبابی برای ریزش رحمتش به طور خاص قرار داده است تا بندگان به وسیله عمل به آن اسباب، شرایط نزول رحمت را فراهم کنند. عواملی نیز مانع رسیدن ریزش رحمت الهی می‌شود و در برخی موارد سبب خشم و غضب خداوند و لعن ملائکه می‌شود که یکی از آنها لقمه حرام است. رسول خدا ص فرمود: «إِذَا وَقَعَتِ اللَّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِي جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ هنگامی که لقمه حرام در شکم بنده‌ای قرار گیرد تمام فرشتگان آسمان‌ها و زمین او را لعنت می‌کنند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۳۱۴).

۳-۴. محروم شدن از بهشت

یکی از پیامدهای لقمه حرام، محروم شدن از بهشت است؛ زیرا بهشت خانه و جایگاه یا مکانی است تا زمانی که انسان آلوده به گناه باشد وارد بهشت نمی شود. قرآن می فرماید: «و سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ؛ و بر یکدیگر سبقت بجوئید برای رسیدن به آمرزش پروردگار خود و بهشتی که وسعت آن آسمان ها و زمین است و برای پرهیزگاران آماده شده است» (آل عمران: ۱۳۳). بنابراین، لقمه حرام سبب محروم شدن از نعمت های بهشتی می شود. رسول خدا ﷺ فرمود: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ نَبَتَ لَحْمَهُ مِنَ السُّحْتِ النَّارِ أَوْلَى بِهِ؛ کسی که از حرام مالی به بدنش گوشت روییده شده وارد بهشت نمی شود» (ابن حنبل، بی تا، ص ۳۹۲). جسم و روحی که در اثر لقمه حرام و ناپاک آلوده و بیمار شد به تدریج گرفتار چنان پلیدی و حق کشی می شود که بد اخلاقی و شرارت، حق ناپذیری و بی انصافی و حق کشی برای او عادی می شود و سرانجام هم زندگی امروز دنیایش را با جنگ و جدال ناروا و زیان بار تباه و هم خانه آخرتش را ویران می کند.

۳-۵. قساوت قلب و سیاهی دل

خوراکی که انسان می خورد به منزله بذری است که در زمین ریخته می شود، پس اگر آن خوراک حرام و پلید باشد اثرش قلب را که به منزله سلطان بدن است کدر و تیره می کند. در اثر قساوت و ظلمت، امید خیری به او نخواهد بود. (دستغیب، بی تا، ص ۴۳۲) در کتاب لغت قساوت به معنی صلابت و غفلت است. قساوت به معنی سختی و سفتی است. سنگدل یعنی، کسی که دلش مانند سنگ سفت و سخت است و چیزی در او فرو نمی رود. قساوت نوعی بیماری خطرناک روحی است، حالتی است که انسان حق را نمی پذیرد و در برابر آن خاشع نمی شود، ذکر عذاب های اخروی، مرگ و تجسم اعمال در روحش اثر ندارد. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبٍ سَاهٍ؛ خداوند متعال دعایی را که از قلبی سخت و بی رحم برخاسته باشد اجابت نمی کند» (کلینی، ۱۳۶۵، ص ۱۱۲). از این روایت استنباط می شود که

حرام خواری و قساوت قلب، ارتباط تنگاتنگی باهم دارند. اگر کسی حرامی بخورد قلبش سخت شده و سیاه می‌شود و در برابر حق نرمش نخواهد داشت. این همان سخنی است که امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به سپاه کوفه فرمود. آن حضرت وقتی دید کلامش در دل سخت‌تر از سنگ کوفیان اثر نمی‌کند علت این سخت‌دلی و عدم کرنش در برابر حق را لقمه حرامی برشمرد که شکم‌های کوفیان از آن پر شده بود. غذای آن چند روزی را که اینها در کربلا بودند عمر سعد به آنها می‌داد. او با کیسه‌های زر اموی یا تصرف حرام در بیت‌المال مسلمانان غذا تهیه می‌کرد و در شکم اینها می‌ریخت. بنابراین، شکم همه از حرام پر بود و چون این‌گونه بود هر وقت ولی خدا و امام عصرشان اراده می‌کرد که با اینها سخن بگوید سروصدا می‌کردند و هلهله سر می‌دادند و حاضر نمی‌شدند به کلام نورانی آن حضرت گوش دهند تا جایی که امام علیه السلام خطاب به آنها فرمود: «وَيَلِكُمْ مَا عَلَيْكُمْ أَنْ تُنْصِتُوا إِلَيَّ فَتَسْمَعُوا قَوْلِي؛ چرا ساکت نمی‌شوید تا حرفم را بشنوید». اینجا بود که خود حضرت علت را بیان کرد و فرمود: «شکم‌هایتان از حرام پر شده است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۸).

۳-۶. قبول نشدن اعمال

در دین اسلام عمل صالح ارزشمندترین تجارت و عاملی برای رضایت و قرب خدای سبحان بوده و یکی از شرایطی که در تحقق آن لازم و ضروری است اجتناب از لقمه حرام است؛ زیرا خداوند سبحان طیب و پاکیزه است و جز پاکیزگی چیزی را قبول نمی‌کند. لقمه حرام تأثیر سویی در عمل می‌گذارد و آثار معنوی را از بین می‌برد در نتیجه از اعمال عبادی مانند روزه، حج، صدقه و سایر عبادت‌ها ظاهری باقی نمی‌ماند و این همان حقیقتی است که امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتش به کمیل بن زیاد می‌فرماید: «ای کمیل از زبان آنچه در دل است می‌تراود و دل را خوراک درست می‌کند، ببین دل و تنت از چه می‌خورند که اگر حلال نباشد خدا تسبیح و شکر تو را نمی‌پذیرد» (طبری، ۱۳۸۳، ص ۲۸). رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ أَكْتَسَبَ مَالًا حَرَامًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صَدَقَةً وَلَا عِتْقًا وَلَا حَجًّا وَلَا اِعْتِمَارًا؛ هرکسی مالی را از حرام کسب کند خداوند از او

هیچ صدقه و انفاق و آزاد کردن برده و حج و عمره‌ای را نمی‌پذیرد و به تعداد پادشاه‌های آن اعمال عبادی به امر خدا به پای او گناه نوشته می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۱۷).

یکی از شرایط قبول شدن هر عملی داشتن تقواست؛ زیرا خداوند بدون پرهیزگاری، هیچ عملی را قبول نمی‌کند و حرام‌خواری با تقوا ناسازگار است. کسی که در مسائل اقتصادی تقوا ندارد و خرج زندگی‌اش را از راه‌های نامشروع به دست می‌آورد شرط قبولی عمل را از دست داده و عملش نابود می‌شود. پارسایی و پرهیز از حرام، بزرگ‌ترین بحث و وسیله نجات و عمده چیزی است که انسان را به سعادت و درجات عالی می‌رساند. (نراقی، ۱۳۷۰، ص ۲۳۲) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «عبادت با حرام‌خواری مانند ساختن خانه بر روی شن‌زار است» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ص ۱۵۳). یک لقمه حرام باعث می‌شود تا چهل روز نه نمازی از فرد قبول شود و نه دعایی از او مستجاب (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۳۱۴). «يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَ لَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَ تَرَبَّصْتُمْ وَ ارْتَبْتُمْ وَ غَرَّتْكُمْ الْأُمَانِي حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَ غَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ» (حدید: ۱۴).

۳-۷. نرسیدن عطر بهشت به مشام

جسم و روحی که در اثر خوردن لقمه حرام و ناپاک، آلوده و بیمار شد به تدریج گرفتار چنان پلیدی و خبث باطن می‌شود که بداخلاقی و شرارت، حق‌ناپذیری و بی‌انصافی و حق‌کشی برای او عادی می‌شود و سرانجام هم زندگی دنیوی را با جنگ و جدال ناروا و زیان‌بار تباه و هم خانه آخرتش را ویران می‌کند. (ناطق، ۱۳۹۵، ص ۳۹۲) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لا یشم ریح الجنة جسد نبت علی الحرام؛ آن جسمی که از مال حرام روییده و فربه شده است بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد» (دیلمی، ۱۴۱۲، ص ۶۹). ایشان در جای دیگر فرمود: «قال الله عزوجل من لم یبال من أی باب الکتسب الدنیار و الدرهم لم أبال یوم القیامه من أی أبواب النار أدخلته؛ خداوند تعالی می‌فرماید: هرکس پروا نکند که از چه راهی مالی به دست آورد من نیز روز رستاخیز پروا ندارم که از کدام در داخل دوزخش کنم» (وحیدی، ۱۳۸۶، ص ۲۵).

۳-۸. حب دنیا

خوردن مال حرام و عدم اجتناب از آن یکی از رذائل متعلق به قوه شهوانیه است. دلیل هلاکت بیشتر افراد و محروم شدن آنها از سعادت، محبت به دنیاست. سدی از این محکم‌تر در راه توفیق نیست و کسی که تأمل کند می‌داند که خوردن حرام، اعظم حجابی است که بندگان را از وصول به درجه ابرار و اتصال به عالم انوار منع می‌کند. دلی که از لقمه حرام روییده شده باشد، نمی‌تواند نور عالم قدسی را درک کند. (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۲) شهرت و غضبی که مرز نشناسد و کنترل نشده و مهاری از شرع به دهنده این مرکب روح، نخورده باشد عقل و قلب را بیمار می‌کند. همه انسان‌ها در درون خود حیوانی دارند که باید سوار بر آن باشند، اما وقتی این حیوان سوار انسان شد کار به همین جا می‌رسد. آن‌گاه که شهوت و غضب، آزادی مطلق حیوانی پیدا کند بر عقل و قلب غلبه کرده و هردو را در هدف‌گیری فاسد می‌کند. به همین دلیل انسان سر از حب به دنیای مذموم درآورده و آن را هدف خود قرار می‌دهد (تهرانی، ۱۳۹۲، ص ۸۴). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «دنیا را رها کن چرا که دوستی دنیا انسان را که کور و گنگ کرده و انسان را به اسارت می‌کشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۷).

۳-۹. توکل بر غیر خدا

رزق همه مخلوقین به دست خالق رازق است. کسانی که رزق خود را از سرچشمه و مبدأ رزق جویا شوند به آن می‌رسند، اما کسانی که رزق خود را نزد مخلوقات بجوید به جای آب به سراب می‌رسند و گمشده خود را پیدا نخواهند کرد. از همین رو، توکل بر خدا موجب افزایش روزی و توکل بر خلق خدا موجب کاهش روزی خواهد شد. (کاوه، ۱۳۹۳، ص ۱۳۳) امام علی علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند عزوجل می‌فرماید: «هرکس که بر من، بلکه بر بنده مخلوق من تکیه کند اسباب آسمان‌ها و زمین را برای او قطع می‌کنم، پس اگر از من چیزی بخواهد به او نمی‌دهم و اگر مرا بخواند، پاسخش را نمی‌دهم و هرکس که نه بر بنده من بلکه بر خود من تکیه کند آسمان‌ها و

زمین را پشتوانه رزق او قرار می‌دهم، پس اگر مرا بخواند پاسخش را می‌دهم و اگر از من چیزی بخواهد به او عطا می‌کنم و اگر از من پوزش بخواهد او را درگذارم» (دیلمی، ۱۳۶۶، ص ۲۱۳).

۳-۱۰. تحقیر نعمت‌ها

نباید به کوچک بودن و کم بودن نعمت‌ها نگاه کرد، بلکه باید به فرستنده و عطاکننده آن نگریست. گاهی شخصی بزرگ تنها یک کتاب را به انسان هدیه می‌کند، ولی انسان تا آخر عمر از آن محافظت می‌کند و آن را گرمی و سبب افتخار می‌داند. چه با نعمت‌های کوچکی که سبب و راهی به نعمت‌های بزرگ می‌شود و چه با بی‌توجهی و بی‌ارزش دانستن آنها که محرومیت می‌آورد. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «لا تستقلوا قلیل الرزق فتحرموا کثیره؛ رزق و روزی کم را ناچیز نشمارید؛ زیرا این کار شما را از نعمت‌های فراوان محروم می‌سازد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۸۶).

۴. پیامدهای درآمد حرام بر زندگی اجتماعی

کسب مال حرام، اصول اخلاقی اجتماعی را از هم می‌پاشد، به طوری که حرام خوار برای به دست آوردن خرج زندگی، تن به هر ذلتی می‌دهد. نیت افراد تغییر می‌کند و هرکس به فکر این می‌افتد که چگونه جیب دیگران را خالی کند. نوع دوستی از جامعه رخت برمی‌بندد و اخلاق اجتماعی در جامعه به خطر می‌افتد؛ زیرا تغییر سرنوشت اجتماع در گرو تغییر اخلاق و رفتار مردم است. بنابراین، لقمه‌های برگرفته از درآمدهای حرام بر رفتار و اخلاق اجتماعی اثر نامطلوب می‌گذارد؛ زیرا درآمدهای حرام در جامعه منشأ ایجاد ناهنجاری و دشمنی می‌شود. به تعبیر واضح‌تر، وقتی انسان برای لقمه‌های حرام و حلال تفاوتی قائل نشد حریم‌های اجتماعی را نیز نادیده خواهد گرفت و دیگر فرقی میان خیانت، دزدی، کلاه‌برداری و... نخواهد گذاشت.

۴-۱. سلب امنیت اجتماعی

امنیت از نیازها و ضرورت‌های انسانی و پایه‌ای مردم و جامعه است و فقدان یا اختلال آن، پیامدها و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی به دنبال دارد. تأمین و مراقبت از امنیت در فرآیند پایانی و پایداری آن در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... مطلوبیت ویژه‌ای دارد.

درآمدهای حرام در جامعه منشأ ایجاد فساد و دشمنی می‌شود، صلح و صفا را از بین می‌برد، امنیت جامعه را به خطر می‌اندازد و باعث ناامنی می‌شود. وقتی لقمه حرام وارد بدن انسان می‌شود خوی حیوانی پیدا می‌کند و ممکن است دست به هر کار خطرناکی بزند. اسلام نمی‌خواهد امنیت جامعه از بین برود. از این رو، راه‌هایی که امنیت اجتماعی را به خطر می‌اندازد، ممنوع کرده است. (مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۶، ص ۱۶۳) می‌توان گفت یکی از ابعاد آن که نقش اصلی و اساسی در تشکیل امنیت ملی دارد امنیت اجتماعی است که به میزان سایر مؤلفه‌ها نقش بیشتری دارد (کریمایی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۹).

آسیب‌های اجتماعی را می‌توان مطالعه خاستگاه اختلال‌ها و نابسامانی‌ها اجتماعی تعریف کرد. آسیب‌شناسی اجتماعی، مطالعه ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی به همراه علل و شیوه‌های پیشگیری و درمان آن به انضمام مطالعه شرایط بیمارگونه اجتماعی است. منظور از شرایط بیمارگونه اجتماعی، افزایش بی‌رویه ناهنجاری‌ها و کژرفتاری‌ها در جامعه است. جامعه‌شناسان ریشه این بیماری‌های اجتماعی را خود جامعه می‌دانند. وقتی خواسته‌های فرد با انتظارات جامعه هماهنگ نباشد ناهنجاری‌ها آغاز می‌شود و در صورت تداوم، زمینه کج‌روی را پدید می‌آورد. برای مثال در جامعه‌ای با فشار زندگی اجتماعی، گرانی، بیکاری، دزدی، رشوه‌خواری و... دست به دست هم داده و موجبات سرکشی برخی از مردم را از هنجارهای اجتماعی فراهم می‌کند. (ستوده، ۱۳۹۴، ص ۸۶) با توجه به اینکه خانواده واحدی کوچک‌تر از اجتماع است خرابی آن به اجتماع سرایت می‌کند. از این رو، وقتی فضایل اخلاقی در خانواده‌ها از بین رفت نباید از فساد جامعه و تخریب امنیت آن ایمن بود.

۴-۲. رکود اقتصادی و رواج بی‌بندوباری

وقتی در جامعه کسب‌های حرام وجود داشته باشد مردم دست از فعالیت و کار مفید برمی‌دارند. این بیکاری باعث رواج گناه و بی‌بندوباری در جامعه می‌شود و امنیت از بین می‌رود. انسان‌های تنبل، سست و بی‌کار در نعمت‌ها را به روی خود می‌بندند و به تدریج به فقر مبتلا

می‌شوند. (حرعاملی، ۱۴۱۴، ص ۵۹) از دیدگاه قرآن، تنها تلاش و کوشش مرد است که می‌تواند برای وی باقی بماند. بنابراین، افراد موظف هستند تا جایی که امکان دارد، تلاش کنند و از راه حلال درآمد کسب کنند تا بتوانند خود و خانواده خود را از فقر نجات دهند. امام صادق علیه السلام در علت تحریم ربا می‌فرماید: «اگر ربا حلال بود مردم تجارت را رها می‌کردند» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ص ۴۲۴). امنیت در جامعه مهمترین شرط یک زندگی سالم است. تا جلوی مفسدان را با قاطعیت و به‌وسیله نیرومندترین سدها نگیرند جامعه روی سعادت نخواهد دید. کسانی که می‌خواهند سرزمین آباد، آزاد و مستقل داشته باشند باید قبل از هر چیز به مسئله امنیت بپردازند، سپس به آینده خود امیدوار باشند و به دنبال آن، چرخ‌های اقتصادی را به حرکت درآورند نه اینکه زمینه‌ای فراهم کنند تا مردم به کسب مال از راه حرام روی آورند.

۴-۳. از بین رفتن فضایل

از دیدگاه اسلام به دست آوردن روزی حلال اهمیت زیادی و آثار بسیاری را به دنبال دارد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ بَاتَ كَالًّا مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ بَاتَ مَغْفُورًا لَهُ؛ کسی که شب را از خستگی طلب حلال بخوابد آمرزیده خوابیده است» (متقی هندی و بکری حیانی، ۱۴۰۹، ص ۷). خداوند انسانی را که برای به دست آوردن لقمه حلال زحمت می‌کشد، دوست دارد. بنابراین، به تجربه ثابت شده است که کسانی که به دنبال روزی حلال هستند و به مخلوط نشدن مالشان با مال حرام اصرار می‌ورزند رغبت و توفیق بیشتری برای انجام کارهای خیر به‌ویژه امور عبادی دارند. کسانی که شکمشان را با هر نوع مال و لقمه‌ای پر می‌کنند از بسیاری از معنویات به دور هستند و اگر عبادتی انجام دهند کسالت و بی میلی تمام وجودشان را فرامی‌گیرد. از نظر رابطه معنوی، آثار خوردن غذای حرام نیز غیرقابل انکار است. غذای حرام، قلب را تاریک، روح را ظلمانی و فضایل اخلاقی را ضعیف می‌کند. مال حرام از مهمترین موانع رسیدن به سعادت اخروی و دنیوی است و گفته شده بیشتر کسانی که به هلاکت رسیده‌اند به سبب خوردن مال حرام بوده و بیشتر مردمی که از سعادت محروم مانده‌اند به واسطه آن است (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۶۲). در تعالیم الهی،

لقمه حلال مقدمه عمل صالح است. همان‌گونه که گیاه از آب بی‌نیاز نیست و هرچه آبی پاک‌تر باشد آن گیاه هم پاک و میوه‌اش شیرین خواهد بود و هرچه آبی پلید باشد آن گیاه هم پلید و میوه‌اش تلخ خواهد شد میوه عمل انسان نیز گویای نوع تغذیه اوست. اثر غذای حلال در سبکی روح، نور باطن، توجه به عبادات و اثر غذای حرام در سنگینی، کدورت و کسالت در عبادات به خوبی مشهود است (حقی، بی‌تا، ص ۸۸).

۴-۴. هلاکت اجتماع

رواج معاملات نامشروع باعث تغییر نیت‌ها می‌شود و هرکس به فکر تقلب و گول زدن دیگری است تا از این راه درآمدی تهیه کند و این باعث ازبین رفتن اجتماع می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ هَلَاكًا ظَهَرَ فِيهِمُ الرِّبَا؛ اگر خداوند اراده کند ملت‌ها را هلاکت کند ربا میان ایشان آشکار شود» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ص ۴۲۷). بنابراین، اگر در امر کسب، حدود الهی رعایت نشود نه تنها فرد را از انسانیت ساقط و نسل انسانی را فاسد می‌کند، بلکه اجتماع را به مخاطره می‌اندازد و اصول اخلاق اجتماعی از هم می‌پاشد و در اثر فروپاشی اصول اخلاقی، جامعه دچار هرج و مرج و بی‌بندوباری می‌شود (مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۶، ص ۱۶۵).

مال دوستی از شاخه‌های دنیادوستی است. آفات دنیا شاخه‌ها و نواحی بسیار گسترده‌ای دارد. بزرگ‌ترین آفات دنیا متعلق به قوه شهوت و مال است؛ زیرا هر موجود زنده‌ای به آن محتاج است، پس در نبودن آن، فقر پدید می‌آید و فقر در آستانه کفر است و در نبودن آن، سرکشی و طغیان دست می‌دهد که سرانجامش جز خسران نیست. مال از فواید و آفات خالی نیست و فوایدش خیر و آفاتش مهلک و شر است. تشخیص و تمیز خیر و شر آن از مشکلات است. فاقد مال ممکن است دو حالت داشته باشد: قناعت و حرص که یکی ستوده و پسندیده و دیگری نکوهیده و ناپسند است. حریص دو حالت دارد: یکی آنکه حرصش برای کسب و حرفه و صنعت است و به مال کسی چشم نمی‌ورزد و حرص خود را با کار و از دسترنج خود کامیاب می‌سازد و

دیگری آنکه طمع در مال مردم دارد. حرص هردو مذموم است، اما حالت اولی از دومی بهتر است. اینها اموری هستند متشابه که فهمیدن آن دشوار است و ناگزیر ابتدا باید آن را شناخت و هریک را از دیگری تمیز داد، سپس خوبی‌ها و پسندیده‌های آنها را گرفت و بدها و ناپسند‌های آنها را رها کرد تا از شرور و مفسد و فتنه‌های مال نجات و رستگاری یافت. افکار و خیالات اهل دنیا را نهایت و پایانی نیست، اما کسی که تنها به فکر تحصیل روزی به قدر کفاف است و افزون بر آن نمی‌طلبد از این آفات و خیالات پریشان سالم و ایمن است. (نراقی، ۱۳۷۰، ص ۶۲)

۴-۵. عدم رضایت پروردگار و نزول بلاهای عمومی

هدف غایی تربیت، رضایت پروردگار و قرب الی‌الله است. رواج برخی عوامل مانند درآمد و کسب حرام به صورت غیرمستقیم سبب نارضایتی پروردگار، عامل دورکننده تربیت و تعالی روح و باعث نزول بلاهای عمومی است. آیه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمَلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»؛ فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند، آشکار شده خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمال آنها را به آنها بچشاند شاید (به سوی حق) بازگردند» (روم: ۴۱). مراد فساد در زمین، مصایب و بلاهای عمومی است: «بما کسبت أیدی الناس؛ این فساد ظاهر در زمین بر اثر اعمال مردم است». بین اعمال مردم و حوادث عالم رابطه مستقیم وجود دارد که هریک متأثر از صلاح و فساد دیگری است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۱۹۵). کسب حرام از مواردی است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم سبب تضییع حقوق دیگران می‌شود و نوعی فساد در زمین و از عوامل زمینه‌ساز بلاهای عمومی است.

۴-۶. فقر اقتصادی در جامعه

برای رسیدن به هدف غایی تربیت، شناخت ارزش و قداست کار و معاش حلال و تقویت روحیه مبارزه با بهره‌کشی اقتصادی و مشاغل خلاف مصالح جامعه اسلامی، امری ضروری و مؤثر بر تربیت است. (باقری، ۱۳۸۹، ص ۳۰) برخی از هدف غایی دور شده‌اند و اموالشان را از مسیر حرام کسب می‌کنند که چنین امری سبب فقر در اقتصاد جامعه و دور شدن از مسیر تعالی روح و

تربیت می‌شود. آیت‌الله جوادی آملی یکی از آثار درآمد حرام را قحطی و کمبود می‌داند که باعث بسیاری از مفاسد می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۵۹۴). رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «إِذَا طَفَّفَ الْمَكْيَالَ وَالْمِيزَانَ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَالنَّقْصِ؛ پس هرگاه کم‌فروشی شود خداوند مردم را به قحطی و کمبود گرفتار سازد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۷). «کم‌فروشی یکی از مصادیق کسب مال حرام است و از آسیب‌های آن، فقر و قحطی برای عده‌ای از مردم خواهد بود. اگر مال در مجموعه کالبد اجتماع گردش سالم و متوازن نداشته باشد و بعضی از اندام‌ها بهره حاصل شده را از حرام کسب کنند و اموال عمومی را بخورند سبب سست شدن زندگی و فقر می‌شود» (حکیمی و آرام، ۱۳۷۶، ص ۱۰۱۴). برای اقتصاد سالم در جامعه اسلامی و رساندن به اقتدار و مقاومت باید رزق حلال و پایبندی به قانون حلال را ترویج کرد تا به آن هدف تعالی رشد و سعادت جامعه نائل شوند. رواج حرام سبب مشکلات اقتصادی فساد و مشکلات اخلاقی و تربیتی می‌شود. بنابراین، فراموش کردن یاد خداوند و غافل شدن از اینکه دنیا در امتحان و آزمایش است سبب شده فرد برای رفع نیازهای مادی در ورطه کسب حرام بیفتد و به دلیل این اعمال بندگان، خداوند آنها را در دنیا دچار ورشکستگی می‌کند که عامل بسیاری از مشکلات و مسائل اجتماعی اقتصادی است.

۴-۷. ایجادکننده فساد و رذایل اخلاقی

یکی دیگر از آثار درآمد حرام، ایجاد فساد اخلاقی در جامعه است. بهره بردن از راه نامشروع و حرام، تقویت‌کننده وسوسه‌های شیطان است که به تدریج ابتدا با پیروی از خواهش‌های نفسانی شروع می‌شود و نهایت به جامعه سرایت پیدا می‌کند. پیروی از شیطان و نفس اماره انسان را قدم به قدم به سمت آلودگی، گناه و فحشا می‌کشاند. در برخی از آیات و روایات مرتبط با مال حرام، آثار تربیتی آن به صورت شرط و اجزا تصریح نشده است، اما با کنارهم قرار گرفتن آن با برخی از گزاره‌ها مثل طغیان این نتیجه به دست می‌آید که مال حرام این آثار را دارد. امر به استفاده از رزقی که خداوند به انسان داده امر به بهره بردن از حلال است و هشدار برای اینکه از

شیطان پیروی نکنید. در آیاتی از قرآن آمده است: «وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرَشًا كَلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ و او کسی است که از چهارپایان برای شما حیوانات باربر و حیوانات کوچک آفرید از آنچه او به شما روزی داده است، بخورید و از گام‌های شیطان پیروی ننمایید که او دشمن آشکار شماست؛ زیرا شیطان شما را به زشتی‌های عقلی از اخلاق رذیله و افعال زشت امر می‌کند» (انعام: ۲۱). «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از گام‌های شیطان پیروی نکنید هرکس قدم جای قدم‌های شیطان بگذارد گمراهش می‌سازد؛ زیرا او امر به فحشا و منکر می‌کند» (نور: ۲۱). فحشاء به معنای هر عمل زشتی است که قبح آن بیش از حد باشد (جوهری، ۱۳۷۶، ص ۱۰۱۴) و کنایه از زناست (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۶۲۶). آیات این نتیجه را می‌دهد که کسب درآمد حرام با زشتی‌های اخلاقی مرتبط با جامعه نشان داده می‌شود و باعث فساد و فحشای اخلاقی از جمله زنا و اموری مانند دزدی و امثال آن می‌شود و چون از وسوسه‌های نفسانی پیروی شده است به انحراف در راه کسب و مشکلات اخلاقی فرهنگی می‌انجامد.

۴-۸. تجاوز به اموال دیگران

در آموزه‌های اسلامی اموالی که از راه ضایع کردن حقوق دیگران و تصرف در اموال آنها کسب شده باشد جزو مفسد حرام است و از آن نهی شده است. خداوند در آیاتی از قرآن به انسان هشدار می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید» (نساء: ۲۹). بنابراین، هرگونه تصرف در مال دیگری که بدون حق باشد، ممنوع است. امام صادق علیه السلام به نقل از امام علی علیه السلام فرمود: «لیس بولی لی من أكل مال مؤمن حراماً؛ دوست من نیست کسی که مال مؤمنی را از روی حرام بخورد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۷). آن‌گاه که حرام خواری در میان افراد جامعه شایع شود و ثروت‌ها و رشوه‌های حرام در میان افراد بانفوذ جامعه توزیع شود و تقوای اقتصادی بر درآمدها

حاکم نباشد ناهنجاری‌های تربیتی رواج می‌یابد و بی‌دینی و ضایع کردن حقوق دیگران به شدت شایع می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

حاصل آنچه از آیات و روایات معصومین و کتب نویسندگان برمی‌آید این است که بهره بردن از مال و درآمد حرام بر روح انسان تأثیر می‌گذارد، سلامت فرد را دچار مشکل می‌کند، زمینه ارتکاب گناه را فراهم می‌کند، انسانیت فرد ساقط می‌شود، قلب و دل او را تاریک می‌کند، سلامت فرد، جامعه و اجتماع را به خطر می‌اندازد، نسل انسان را فاسد کرده و دعا و طاعات از او قبول نمی‌شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم، مترجم: مکارم شیرازی، ناصر.
۱. ابن حنبل، احمد (بی‌تا). مسند احمد بن حنبل. محقق: احمد بن محمد شاکر. قاهره: دار الحدیث.
۲. ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴). معجم المقاییس الغه. محقق محمد هارون عبدالسلام. قم: مکتب الاسلامی.
۳. ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷). عده الداعی و نجاح الساعی. بی‌جا: دار الکتب اسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵). لسان العرب. قم: نشر ادب الحوزه.
۵. انصاریان، حسین (۱۳۸۴). توبه آغوش رحمت. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. انصاریان، حسین (۱۳۹۳). حلال و حرام مالی. بی‌جا: دار العرفان.
۷. بستام، فاطمه (۱۳۹۴). تأثیر رزق حلال در طهارت روحی انسان از دیدگاه آیات و روایات. تهران: دانشگاه الزهراء.
۸. تهرانی، مجتبی (۱۳۹۲). رسائل بندگی. تهران: مصابیح الهدی.
۹. حرعاملی، محمد حسن (۱۴۱۴). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت.
۱۰. حسام‌الدین، متقی هندی، و محقق شیخ بکری حیانی (۱۴۰۹). کنز العمال. بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۱. حقی، اسماعیل (بی‌تا). روح البیان. بیروت: دار الفکر.
۱۲. دستغیب، سید عبدالحسین (بی‌تا). گناهان کبیره. بی‌جا: کانون تربیت.
۱۳. دلمی، حسن بن محمد (۱۳۶۶). اعلام الدین فی صفات المؤمنین. قم: مؤسسه آل‌البیت الاحیاء التراث.
۱۴. دلمی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). ارشاد القلوب. قم: الشریف الرضی.
۱۵. راغب اصفهانی، محمد بن محمد (۱۳۷۴). مفردات فی قریب القرآن. بیروت: الدار الشامیه.
۱۶. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: آوای نور.
۱۷. الشرتونی، السعید (۱۳۸۴). اقرب الموارد. قم: بی‌جا.

۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. مترجم: موسوی همدانی، محمد باقر. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۹. طببری آملی، محمد ابن علی (۱۳۸۳). بشارة المصطفی الشیعة المرتضی. نجف: نشر حیدریه
۲۰. عمید، حسن (۱۳۷۵). فرهنگ عمید. تهران: امیر کبیر.
۲۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۲). القاموس المحیط. بیروت: دار الفکر.
۲۲. کاوه، یاسر (۱۳۹۳). نقش تقدیر الهی و تلاش انسان در کسب روزی. دانشکده الهیات و معارف اسلامی، کارشناسی ارشد.
۲۳. کریمایی، امیراعظم (۱۳۸۴). تأملی در شناخت امنیت اجتماعی. نشریه علوم انسانی و دانش انتظامی، شماره ۲۷، صص ۱۳۹-۱۶۲
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دار الکتب اسلامیة.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷). فروع الکافی. تهران: دار الکتب السلامیة.
۲۶. گوهری، سید اسماعیل (۱۳۷۷). مفاسد مال و لقمه حرام. بی جا: انتشارات احمدی.
۲۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. محقق: میانجی، سید ابراهیم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه (۱۳۷۶). اخلاق اقتصادی. بی جا: اداره آموزش های عقیدتی-سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۲۹. مسعودی پور، سعید (۱۳۹۵). مفهوم شناسی و شاخص های کسب و کار حلال از دیدگاه اسلام. نشریه پرتال جامع علوم انسانی، اخلاق، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۴۹-۶۹
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). احیای تفکر اسلامی. تهران: انتشارات صدرا.
۳۱. نراقی، مهدی (۱۳۷۰). علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادت). مترجم: مجتوی، جلال الدین. بی جا: انتشارات حکمت.
۳۲. نراقی، مهدی (۱۳۷۸). معراج سعادت. قم: مرکز نشر هجرت.
۳۳. وحیدی، محمد (۱۳۸۶). درآمد حلال و حرام. قم: سنابل.